

من و ام‌اس

من از تو خوشبخت‌ترم؟!



مریم پیمان

● در صدای جدی ممزوج با غم «او» محو شده‌ام. فهم حرف‌ها و آموزه‌ها دشوار نیست، اما بهیادسپردن آنها سهل نمی‌نماید. گیج‌م از پرسش‌های بی‌سروته خودم. دلم کاغذ و قلم می‌خواهد برای یادداشت‌کردن و به‌فراموشی‌نسیردن. اثر کورتون‌ها به مرور زمان بر حافظه، باز تمام‌قد خودش را نشانم می‌دهد. صدایی من را جلب می‌کند. گویی را نگاه می‌کنم و آخرین پیغام را باز. نهایت امید را در یک جمله می‌بینم: «دکتر گفت که دیگر لازم نیست تزریق را ادامه بدهم». دیگر چیزی نمی‌شنوم. شادی و حسادت در رگ‌هایم با قدرت موج می‌زنند. یک دوست از رنج هفتگی نجات پیدا کرده است و یک فرزند، آینده امیدوارانه‌تری برای پدرش می‌تواند تصور کند، اما من! «کاش من هم از این تکرار رها می‌شدم. از تکرار هر روز و شب یک کلمه: «ام‌اس» و در سلامت زندگی را ترسیم می‌کردم. گیج‌م. باید از دکتر قرض‌های تقویت حافظه بگیرم. نگرانم. نگران فراموش‌کردن همه خاطرات خوب این روزها و شادمانم از فراموش‌کردن و فراموش‌شدن همه تلخی‌های دور. گاه به این کم‌حافظگی دچار می‌شوم و با بی‌خوابی بیشتر این تجربه از بی‌حافظگی یا کم‌حافظگی را دارم. این تجربه از بی‌حافظگی‌هام، از سفرها و کارهای زیاد. باید آخر هفته خلوت کنم و به آرامش فکر کنم. ممکن است این‌بار هم خستگی، عفونت یا استرس ذهنم را ضعیف کرده باشد. دلم تنهایی می‌خواهد: تنهایی فقط با حضور یک دوست. «او» بخواند از همه هستی و من بشنوم از همه نیستی. گاهی آدم‌ها در مناسب‌ترین زمان پیدایشان می‌شود و برای تو آینه‌ای می‌شوند برای شناخت خود و بهتر عمل‌کردن در زندگی. سرم را بالا می‌گیرم و در چشم‌های مهربان ناامید «او» نگاه می‌کنم. می‌دانم که هر انسانی دشواری‌های بودن را به شکلی تجربه می‌کند و «او» هم دشواری‌های دیگری جز بیماری را بیک می‌کشد. حسرت‌های هرکدام از ما رنج‌های امروز و دیروز دیگری است؛ فرزند، دانش، سلامت و سلاّت و سلامت. چیزی در قفسه سینه‌ام سنگینی می‌کند. نفسم گویی در سرمای شدید استخوان‌های قفسه سینه‌ام بند آمده است. رنج‌های «او» جدی‌ترند از من. پرسش‌ها و افسوس‌های «او» را در ذهنم می‌شمارم. چشمانم به لبخند روی لبانش می‌افتد و یکباره درد از سینه من رخت برمی‌بندد. انگار گرمای آغوش آرامشی را جشیده‌ام بعد از سال‌ها. آرام‌بخشی قوی در رگ‌هایم. چشم‌هایم را می‌بندد. دیدن شادی در چهره یک «انسان» همه پرسش‌های ناتمام را تمام می‌کند. بین خواب و بیداری، بین مست و هوشیاری در موسیقی سکوت فضا بیدار می‌شوم. هیچ‌کس نیست. من در اتاق خوابیده‌ام و بی‌درد شبی آرام را گذرانده‌ام. صدای کولر خانه را پر کرده است. به سقف نگاه می‌کنم. به همه دوستانم فکر می‌کنم. به خیال ایمان می‌آورم. به همه آتلهایی می‌اندیشم که چیزهایی برای قهرست نداشته‌های من دست‌وپا کرده‌اند. رنج، رنج و رنج. هرکس شکلی از آن را در زندگی دارد و من تنها کسی هستم که کمترین میزان از رنج را از نظر خودم دارم. یک بیماری ساده کنترل‌شده تنها رنج عیان زندگی زنی در آستانه میان‌سالی است. «آری من خوشبختم».

بهار سلاحو روزی: یک‌سوم گازهای گلخانه‌ای کشور از فعالیت‌های نیروگاهی تولید می‌شود. سهم تولید ۳۰ درصدی دی‌اکسیدکربن، هفت‌درصدی ذرات معلق و متان، دودرصدی منواکسیدکربن و ۳۰ درصد اکسیدهای نیتروژن و گوگرد موجود در هوا در نیروگاه‌های مختلف گازی، بخاری و سیکل ترکیبی که در مجموع نیروگاه‌های حرارتی خوانده می‌شوند، از یک‌سو و از سوی دیگر کاهش سوخت‌های فسیلی که منبع تغذیه این نیروگاه‌ها هستند، چندانالی است که مسئولان و کارشناسان را برآن داشته تا ترکیب نیروگاهی کشور را عوض کنند و به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر متمایل شوند.

اما از هشت سال پیش که نخستین نیروگاه خورشیدی که از میان سایر انرژی‌های نو بیشترین پتانسیل را در ایران دارد، در شیراز راه‌اندازی شد هنوز هم کمتر از پنج درصد برق تولیدی کشور از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌شود که اگر سهم نیروگاه‌های برق آبی را هم جدا کنیم، سایر انرژی‌های تجدیدپذیر تنها در نیم درصد از تولید برق کشور به کار گرفته می‌شوند و به نظر می‌رسد فعلا با هدف‌گذاری‌های وزیر نیرو برای توسعه سالانه هزار مگاوات برق تجدیدپذیر فاصله‌ای بسیار طولانی داریم. اساسا در مقوله‌های برق و انرژی دو وجه اقتصاد و محیط زیست دخالت دارد که از این بین، وجه اقتصادی آن حتی در بیشتر کشورهای پیشرفته دنیا غالب است. به‌طوری‌که حتی سهم عمده‌ای از تولید برق کشورهای پیشرفته دنیا مربوط به سوخت زغال‌سنگ است که نرخ بالایی در تولید گاز گلخانه‌ای و سایر گازهای آلاینده دارد؛ این را محمود طالب‌بیدی، کارشناس انرژی و محیط زیست، به خبرنگار ما می‌گوید و توضیح می‌دهد: در‌حال‌حاضر سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور به جز نیروگاه‌های آبی، کمتر از نیم درصد است. سهم نیروگاه گازی ۳۵، سیکل ترکیبی ۲۵، بخاری ۲۱، آبی ۱۵، اتمی و دیزلی دو درصد است. بنابراین کشور برای رسیدن به سهم معقول در توسعه برق تجدیدپذیر راه زیادی دارد. سهم آلایندگی یک نیروگاه در درجه اول به راندمان و نوع نیروگاه و در مرحله بعد به سوخت مورد استفاده و سطح تکنولوژی نیروگاه بستگی دارد. به‌نحوی‌که در بین نیروگاه‌های حرارتی بهترین وضعیت را نیروگاه سیکل ترکیبی دارد. نیروگاه‌های گازی و بخاری در رده‌های بعدی قرار دارند.

به گفته این کارشناس انرژی و محیط زیست، به‌ازای هر کیلووات‌ساعت تولید برق از نیروگاه‌های حرارتی، با توجه به ترکیب و راندمان آنها به‌طور متوسط ۰٫۷۱ کیلوگرم دی‌اکسیدکربن که یکی از مهم‌ترین گازها با اثر گلخانه‌ای است، تولید می‌شود. البته عناصر دیگری هم از طریق نیروگاه‌ها تولید می‌شوند که اثر گلخانه‌ای ندارند اما سمی هستند که خوشبختانه در سال‌های اخیر با توجه به کاهش شدید نیروگاه‌های با سوخت مایع، از جمله مازوت و گازوئیل، تولید این عناصر نیز کاهش یافته است. با این همه براساس

جامعه



واقعی کردن سوخت تنهاراه توجیه گسترش انرژی‌های نو

گازهای ارزان گلخانه‌ای

منابع بین‌المللی با در نظر گرفتن اثراتی که این گازها بر سلامت و محیط زیست دارند، مبلغی به‌عنوان جریمه برای تولید این گازها در کشور معادل یک سنت به ازای هر کیلووات‌ساعت تولید برق در نظر گرفته شده که باید سازمان محیط زیست از وزارت نیرو دریافت و برای نصب تجهیزات کاهنده آلاینده‌ها در نیروگاه‌ها هزینه کند که تاکنون این اتفاق نیفتاده است. با این همه طالب بیدختی معتقد است که شاخص آلایندگی یک نیروگاه به تنهایی معیاری برای اتخاذ سیاست‌گذاری‌هایی مانند خارج‌کردن یک نیروگاه از ترکیب نیروگاهی کشور و جایگزین‌کردن آن با نیروگاه‌های تجدیدپذیر محسوب نمی‌شود بلکه در این موضوع، اقتصاد انرژی معیار مناسب‌تری است. اصلا در تعیین ترکیب مناسب نیروگاهی یک کشور مجموعه‌ای از معیارهای اقتصاد، محیط زیست، سطح فناوری، سطح خودکفایی و وابستگی، اشتغال و منابع انسانی مورد نیاز، سطح رفاه جامعه، شاخص‌های توسعه‌یافتگی، ریسک‌های تغییر قیمت سوخت و تحریم و… دخالت دارند. در مجموع اتخاذ سیاست‌هایی که به تدریج سهم انرژی تجدیدپذیر کشور را بالا ببرد بسیار مطلوب است و براساس شاخص‌های اقتصادی، توسعه نیروگاه آبی و سپس بادی، خورشیدی و زیستی در اولویت‌های توسعه برق تجدیدپذیر کشور خواهد بود.

به گفته او، در سال‌های گذشته وزارت نیرو به توسعه طرح‌های تجدیدپذیر توجه زیادی داشته و هر سال با ابلاغیه‌های خود قیمت خرید برق را افزایش داده ولی نتیجه چندان‌ی حاصل نشده؛ به‌طوری‌که مجموع ظرفیت برق بادی و خورشیدی کشور کمتر از ۳۰۰ مگاوات است. چراکه توسعه نیروگاه تجدیدپذیر مستلزم صرف هزینه بسیار بالایی است و نمی‌تواند در

به اعتقاد او موضوع مهم‌تر این است که در این مرحله تا چه حد مجازیم توسعه تجدیدپذیر داشته باشیم؛ چراکه امروز افراد زیادی با تأکید بر تغییر اقلیم و گرمایش جهانی سعی دارند در این‌ اوضاع بحران مالی، کشور را به لحاظ توسعه تجدیدپذیرها بیش از حد بارگذاری کنند و این برای اقتصاد کشور اصلا مناسب نیست. از سوی دیگر این فشارها ممکن است

بازتاب

واکنش شرکت آرنا حیات دانش به یک گزارش

شده؛ عده‌ای از مردم و دست‌اندرکاران صنعت دارو روزنامه «شرق» تقدیر کردند و در مقابل برخی از ذی‌نفعان، زبان به تهدید گشودند و از ددرسرهای بد سخن گفتند که نشان می‌داد مسائل مبتلا به صنعت دارو عمیق و گستره بیشتری دارد؛ بنابراین مصمم هستیم در سلسله گزارش‌هایی به اطلاع‌رسانی در این زمینه ادامه دهیم. در بخشی از گزارش درباره داروی «هیپاسبیر ۴۰۰» که در درمان هپاتیت کاربرد دارد،

موجب خرید و واردات پتل‌های خورشیدی فرسوده که خود یکی از معضلات مهم زیست‌محیطی هستند، شود کما اینکه چندی پیش یکی از مدیران نیروگاه‌های خورشیدی چنین اعلام کرده است: «ما می‌توانیم پتل‌های فرسوده را به خاورمیانه بفروشیم جایی که مشتریان ما صراحتا بیان کرده‌اند که خواهان خرید پتل‌هایی با کیفیت بسیار بالا نیستند؛ بلکه تنها قیمت پایین آن برایشان مهم است».

گذشته از انتشار گازهای گلخانه‌ای و تولید سایر آلاینده‌ها انتقاد دیگری که به نیروگاه‌های حرارتی وارد است، راندمان پایین و هدررفت منبع انرژی است که رو به پایان است. راندمان انرژی در بخش‌های مختلف نیروگاه‌های حرارتی از ۳۰ تا ۳۵ درصد در نیروگاه‌های گازی، ۳۵ تا ۴۰ درصد در نیروگاه‌های بخاری و ۴۵ تا ۵۰ درصد در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی در‌حال‌حاضر در ایران متغیر است که به گفته مدیرکل دفتر پشتیبانی و پدافند غیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی وزارت نیرو در سال ۹۵ هریک از این نیروگاه‌ها به ترتیب ۸۵٫۷۷ و ۱۰۴ میلیارد کیلووات‌ساعت برق کشور را تولید کردند.

آن‌طور که غلامرضا مهرداد به خبرنگار ما می‌گوید: در‌حال‌حاضر نیروگاه‌های سیکل ترکیبی که بالاترین راندمان را دارند، روند روبه‌رشدی داشته و نسل جدید آنها با تکنولوژی به‌روزتر که راندمانی حدود ۶۰ درصد دارد، از سال آینده در کشور راه‌اندازی می‌شود. او نیروگاه‌های سیکل ترکیبی جدید را فعلا ممکن‌ترین و به‌صرفه‌ترین پتانسیل تولید برق برای کشور می‌داند و معتقد است که وقتی وزارت نیرو به‌کارترین وزارتخانه به بخش‌های مختلف است، با این محدودیت منابع مالی سرمایه‌گذاری برای انرژی‌های تجدیدپذیر برای جایگزینی سوخت‌های فسیلی مقدور نیست. مهرداد توضیح می‌دهد: از سوی دیگر گذشته از انرژی خورشیدی و تا حدودی بادی ما پتانسیل چندان‌ی برای نیروگاه‌های برق آبی که در دنیا استفاده می‌شود با توجه به شرایط خشک‌سالی نداریم و به همین دلیل راندمان نیروگاه‌های حرارتی با برق آبی قابل مقایسه نیست و به‌عنوان مثال از یک نیروگاه با توان ۱۲ هزار مگاواتی برق آبی ۱۵ تا ۲۰ میلیارد کیلووات ساعت و ازیک نیروگاه ۱۵ هزار مگاواتی حرارتی بیش از ۸۵ میلیارد کیلووات‌ساعت یعنی حدود پنج برابر بیشتر برق در سال تولید می‌شود. مدیرکل دفتر پشتیبانی و پدافند غیرعامل شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی وزارت نیرو تأکید می‌کند: همچنین با توجه به افزایش مصرف لجام‌گسیخته برق در کشور با رشدی حدود چهار هزار مگاوات در سال که تأمین آن از طریق نیروگاه‌های حرارتی حدود سه میلیارد دلار و از طریق انرژی‌های نو شش میلیارد دلار هزینه دارد و خسارت‌های بسیار بالای اقتصادی و اجتماعی خاموشی برای ملتی که هیچ جایگزینی برای برق ندارند.

ادامه در صفحه ۱۷

تهران‌شهر

قصر خوشبو، قصر بدبو

علیرضا زمانی

● قصر ما تهرانی‌ها با قصر کاشانی‌ها از زمین تا آسمان تفت دارد. قصر کاشان شهرتی جهانی دارد و عالم و عالمان با آب گل و گلایش او را می‌شناسند؛ همان گلایی که هرساله در این ایام امن‌ترین خانه عالم، کعبه، را با آن شست‌وشو داده و معطر می‌کنند. آری همگان قصر کاشان را به بسوی خوش و گل‌های معطرش می‌شناسند، اما قصر ما تهرانی‌ها برای خودمان و حتی مسافران بین‌المللی و غیربین‌المللی این شهر به بسوی ناپیوب و مشمن‌کننده‌اش شناخته را در حال شناخته‌شدن است! همان بویی که شب‌ها مشام هر مسافر تازه‌واردی را که از بزرگراه قم– تهران و فرودگاه بین‌المللی امام خمینی عزم این شهر کرده، سخت می‌آزارد. قصر تهران، برخلاف قصر کاشان، روستای کوچک درحاشیه‌افتاده‌ای است که کنار دورسون‌آباد و عبه‌الله‌آباد و مهدی‌آباد و عشق‌آباد کهریزک سال‌هاست با او و مصائبش دست‌به‌گریباند؛ همان کهریزکی که خاطرات خوبی از آن در ذهن‌ها بر جای نمانده و مرکز دفن زباله‌اش، شبانه‌روز هزاران تن از زباله‌های تولیدی ما تهرانی‌ها را در خود می‌بلعد؛ همان زباله‌هایی که می‌شود کمتر از اینها تولیدش کنیم، همان زباله‌هایی که می‌شد تفکیک‌شده‌تر از مبدأ، طلای واقعا سیاه و گرانبهای تهرانی‌ها شود!!! قصر شهر ما که ۴۰۰سال‌ی قدمت دارد و در نقشه بغایری نامش آمده، به‌همراه عشق‌آبادها، همان عشق‌آباد که دریاچه‌اش مهم‌ترین زیستگاه پرندگان مهاجر سال‌های اخیر شده و نقشه‌های زیادی برای او و هدف گردشگری‌بودنش می‌کشند، چنان میان کارخانجات تبدیل ضایعات پلاستیکی وابسته به کهریزک و کارخانه ذوب سرب باتری‌های فرسوده گرفتار آمده‌اند که بوی ناخوش حاصل از آنها طعنه به بوی ناخوشایند مرکز دفن زباله کهریزک زده است! به‌غیر از اینها، چار دیواری‌های کوچک و بزرگی دست پیمانکاران به اجاره داده شده تا کار تفکیک زباله‌هایی را که باید در منزل انجام می‌دادیم و ندادیم به بهای پول خوبی انجام دهند و در نتیجه پدیده و معضلی به نام آتشغال‌گردی و تفکیک‌گری زباله را در این منطقه رواج دهند؛ پدیده‌ای که اتباع یکانه ساکن قصر و اطراف‌های به‌بای ناچیزی به آن تن کماشته و در دلش پدیده ناخوشایندتر دیگری به نام کودکان کار آتشغال‌گرد را روی دست تهران و مردمانش و شاید مدیرانش گذاشته است!!! کودکان کاری که به‌جای بازی‌های کودکانه و در کلاس درس حاضرشدن‌ها، تا سر در آتش‌های تفکیک‌شده ما پایتخت‌نشینان غور می‌خورند و قد می‌کشند و بزرگ می‌شوند! آری قصر زباله‌های تولیدی غیراستاندارد و بی‌توجه به تفکیک دارد؛ قصری که کنار کهریزک‌ها و… از سر ناچاری دروازه ورود مسافران بین‌المللی و غیربین‌المللی این شهر شده، با بوی ناخوشایندشان خیرمقدم به آنها می‌گویند! دروازه‌ای که روزگاری برج آزادی زیبای کنار مهرآباد جایش بود و با جلوه‌ای از معماری برش‌کوه ایران به مسافران این خاک و بوم خوشامدگویی می‌کرد. قصر و دروازه شهر بودن و بوی ناخوشایند و مسافران بین‌المللی و غیربین‌المللی و کودکان کارش، محصولی است نامیمون که ما شهروندان تهرانی با زباله‌های تولیدی غیراستاندارد و بی‌توجه به تفکیک زباله از مبدأ، در ایجادش کم مقصر نبوده و کم نقش نداشته‌ایم؟! به امید روزی که زباله‌های این شهر حکم طلا پیدا کنند و به امید روزی که قصر ما تهرانی‌ها با عطر خوشش، طعنه به قصر خوشبوی کاشان برند. آن روز خیلی دیر نخواهد بود اگر…

			۸	۶	۳
			۵		۲
			۷		۹
			۴		۶
			۱	۵	
			۲		۷
			۳	۵	
			۱	۷	
			۴		
			۹		
			۱		
			۲		

			۱	۵	۷	۴	۶
			۹	۸		۷	۱
			۶		۸	۹	۳
			۵		۲	۴	
			۹		۸	۲	
			۳	۵	۱	۶	۸
			۱		۴	۶	۷
			۳	۶		۸	۵
			۷	۲		۱	
			۸		۳	۱	
			۲		۷		
			۸				

سودوکو سخت ۱۹۰۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۹۰۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۶	۲	۴	۷	۳	۹	۵	۸
۳	۷	۸	۹	۵	۶	۱	۴	۲
۹	۴	۵	۸	۱	۳	۶	۷	
۲	۸	۹	۵	۶	۴	۷	۳	۱
۴	۱	۶	۳	۸	۷	۲	۹	۵
۷	۵	۳	۱	۲	۹	۶	۸	۴
۶	۲	۴	۷	۹	۵	۸	۱	۳
۵	۹	۱	۲	۳	۸	۴	۷	۶
۸	۳	۷	۶	۴	۱	۵	۲	۹

۷	۲	۹	۸	۳	۱	۵	۴	۶
۶	۸	۳	۴	۷	۵	۱	۲	۹
۶	۸	۳	۶	۲	۹	۸	۳	۷
۱	۹	۲	۵	۶	۴	۷	۸	
۳	۷	۴	۹	۱	۸	۶	۵	۲
۸	۶	۵	۲	۴	۷	۹	۱	۳
۵	۱	۶	۷	۸	۳	۲	۹	۴
۹	۳	۷	۵	۶	۴	۲	۸	۱
۲	۴	۸	۱	۹	۳	۷	۶	۵

جدول ۲۹۰۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

چیز- معروف و مشهور ۱۴- عقاب سیاه- از سبزی‌های خوراکی معطر- مخاطب تلویزیون ۱۵- شاعر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان و صاحب مجموعه داستان غصه‌ای و قصه‌ای- کاسه گردان.

حل سودوکو سخت

حل سودوکو ۱۸۹۹
